

موضوع بخش نخست این گفت‌وگو بررسی فضای سیاسی کشورهای عربی بود و مطالب این بخش را بحث پیرامون راهکارهای توسعه کاریکاتور در جهان عرب تشکیل می‌دهد. □ قرار بود در مورد توسعه کاریکاتور و راه کارهای آن گفت‌وگوی خود را ادامه دهیم. این بحث را از کجا آغاز می‌کنید؟

■ فکر می‌کنم پیش از هر چیز بهتر است اصطلاح «توسعه» را توضیح بدهیم. ما معمولاً واژه «توسعه» را اغلب به صورت یک پیشنهاد به کار می‌بریم، مثلاً می‌گوییم: «توسعه اقتصادی» یا «توسعه سیاسی» و غیره. همان طور که می‌دانید، اصطلاح «توسعه» برابر نهاد واژه «Development» است. معنای این کلمه گاه با مفهوم بسط و گسترش مخلوط می‌شود و ذهن را

دچار ابهام می‌کند. وقتی ما از اصطلاح «توسعه اقتصادی» صحبت می‌کنیم، منظورمان بسط دادن اقتصاد نیست؛ چون «اقتصاد» که یک اسم معنی است، چیزی نیست که قابل بسط باشد، بلکه این فرایندهای اقتصادی است که بسط و گسترش می‌یابند.

به طور مثال، وقتی «رانت» از میان می‌رود، انحصار محدود می‌شود، تبدلات آزاد می‌شود، معاملات عمومیت می‌یابد و غیره. این‌ها که عملی بشود، اقتصاد به توسعه دست یافته، یعنی فراگیر شده است. بنابراین همه می‌توانند خود را در گسترش اقتصادی سهیم و دخیل بدانند. حال اگر عوامل محدودکننده سایه خود را همچنان بر روابط اقتصادی با برجا نگاه دارند، طبیعتاً اقتصاد به هیچ

توسعه‌ای دست نخواهد یافت. شاید درآمد اقتصادی به نفع عده‌ای افزایش یابد ولی این امر هیچگاه به معنی توسعه اقتصادی نخواهد بود! در مورد مسائل دیگر نیز وضع بدین گونه است. توسعه کاریکاتور شاید چندان پیرو توسعه اقتصادی نباشد، ولی کاملاً تابع توسعه سیاسی است!

در یمن، مدت ۷ سال است که ریاست جمهوری رئیس‌جمهور تمام شده است و ایشان باید انحصار را محدود کند و کنار برود تا شخص دیگری جانشین او شود، ولی وی با استفاده از نفوذ خود و آدم‌هایی که در پارلمان دارد، ۲۴ ساعته تبصره‌ای را به قانون اساسی الحاق می‌کند که این دوره هفت ساله تا هفت سال دیگر تمدید می‌شود! خوب در



چنین شرایطی، حزب، همان حزب، شخص همان شخص، روابط همان روابط، و فضا همان فضا است.

توسعه همیشه با تحرک و پویایی همراه است و جمود و ثبوت دشمن آن اند. آدم های کهنه چیزی برای نو کردن ندارند. مفهوم این حرف این است که چیزی برای تغییر ندارند! آن ها اصلاً با تغییر مخالف اند، در حالی که وظیفه کاریکاتور تغییر دادن است. بدیهی است در چنین فضایی کاریکاتور نمی تواند به حیات خود ادامه دهد، چه رسد به اینکه به توسعه قابل توجه ای نیز دست یابد.

لطفاً بیش تر توضیح دهید.
وقتی رئیس جمهور یمن به ریاست ۱۴ ساله دست یافت، بخش نامه های زیادی به همه

مطبوعات ابلاغ شد که حواسشان جمع باشد و در واقع مسئله را زیر سیبیلی رد کنند. کاریکاتور همیشه چند قدم جلوتر را می بیند، ولی این حضرات همان جایی را می بینند که در آن «قرار» دارند. از نظر آن ها این یک تفکر طبیعی است، ولی از نظر کاریکاتور چنین نیست. کاریکاتور می خواهد فکر تازه بکند، می خواهد طرح تازه بدهد، می خواهد نقشه بهتر بدهد و خوب همه این ها مستلزم تغییر است. در حالی که سیاست خواهان ثبات است، آن هم به معنای منفی اش.

معنای منفی «ثبات» چیست؟
بینید ما الان در دنیای واژگونی معنی واژگان به سر می بریم. طرف می خواهد جایش محکم باشد، آن را به اوضاع سیاسی ربط می دهد. کلاً هر

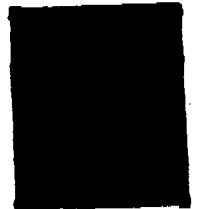
سیاستمداری اگر گفت، سیاست باید ثبات داشته باشد، بدانید منظور این است که خودش باید ثبات داشته باشد! و البته بهانه هم فراوان است.
بها؟ منظور شما استدلال های عرضه شده در این مورد است؟

نه، منظورم بهانه به معنای خود بهانه است. همین رئیس جمهور یمن، وقتی به او گفتند ۱۴ سال زیاد است و بد است و از این حرف ها... گفت مگر نمی بینید آمریکا در منطقه است، سیاست ما باید ثبات داشته باشد و غیره! حافظ اسد هم همین طور بود. رئیس جمهور سوریه را می گویم. ایشان هم از وقتی روی صندلی ریاست نشست تا زمانی که به کورستان برده شد، رئیس جمهور بود. هر وقت هم به او می گفتند ریاست جمهوری، انتخابات



نقدی بر کاریکاتور عربی ۲

سعید غانم
مترجم: احمد کعبی فلاحیه



A critique on Arab Cartoon

جیم مورین / آمریکا
JIM MORIN/ U.S.A

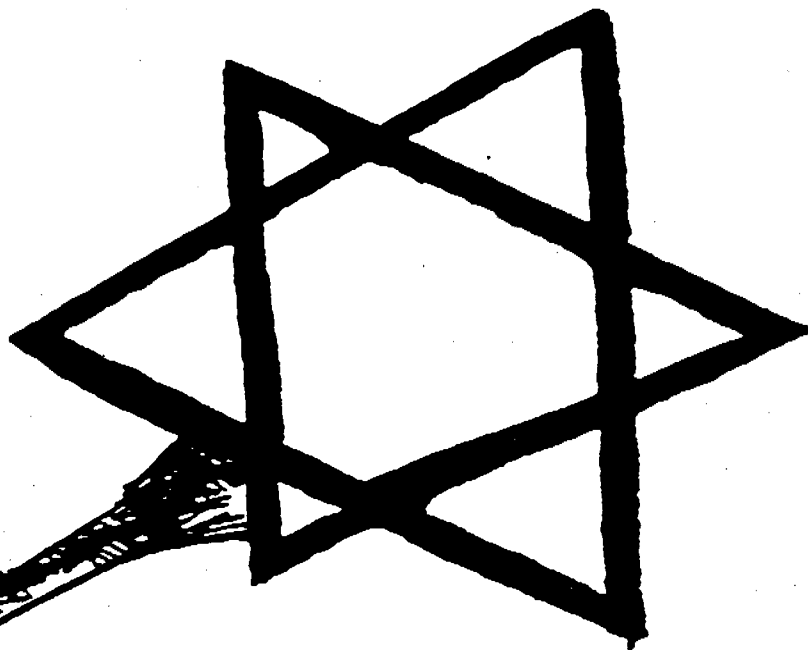
The Miami Herald

IMCRA

فروشی بیش تر وجود ندارد و اغلب اطلاعات مرده
تزیلی انتقال داده می شود! منظور رسانه های
دولتی است! بنابراین، توسعه سیاسی باید رشد
نیافته باقی بماند.

در لبنان، توسعه فرهنگی عالی است و توسعه
سیاسی تقریباً مطلوب (به تبع توسعه فرهنگی
ولی توسعه اقتصادی نامطلوب است. با این حال
توسعه سیاسی در لبنان بیشتر خود را مدیون
توسعه فرهنگی می داند تا توسعه اقتصادی هرچند
توسعه سیاسی در لبنان، برای ادامه حیات کماکان
خود را نیازمند توسعه اقتصادی می داند و گرفتار
وضع همانی می شود که در فلسطین شده است.

ادامه دارد.



می شود و سیلی آبداری نثار گوش خبرنگار می کند،
فردای آن روز پدیده ای مشابه با یک استیضاح
سیاسی رخ می دهد. او با این عمل اعتبار سیاسی
خود را برای همیشه از دست داد.
کاریکاتوریست های لبنان در عرض یک هفته، بیش
از ۱۰۰ کاریکاتور از همین ماجرا در مطبوعات لبنان
به چاپ رساندند.

نظر شما درباره فضای باز سیاسی چیست؟
توسعه سیاسی شرایطی را به وجود می آورد که
کاریکاتور خواستار آن است. شاید برخی لزوم
فضای باز سیاسی را بر «توسعه سیاسی» ترجیح
دهند، ولی آن ها نباید این نکته را از یاد ببرند که
فضای باز سیاسی در واقع زاییده توسعه سیاسی
است، نه جانشین آن!

چه طور می شود این توسعه سیاسی را به
وجود آورد یا آن را گسترش داد؟

پاسخ بدین صورت است که اگر ما مثلثی را
رسم کنیم که هر گوشه آن یک بعد از توسعه را به
خود اختصاص دهد، گوشه اول توسعه اقتصادی

است که از همه مهم تر است، گوشه دوم توسعه
فرهنگی که در درجه دوم قرار می گیرد، و گوشه
سوم توسعه سیاسی است که تابعی از دو عامل
پیشین است. این سه رکن بر همدیگر تاثیر متقابل
دارند، در فلسطین، توسعه فرهنگی بالاست، ولی
چون توسعه اقتصادی ضعیف است و همه چیز در
دست اسرائیل است، توسعه سیاسی چندان حاصل
نیامده است.

در امارات، توسعه اقتصادی نسبتاً قوی است و
ثروت تقریباً توزیع شده یا لاقال از تمرکز صرف
نسبتاً خارج شده و رفاه کاملاً محسوس است. با
این همه، توسعه فرهنگی به نسبت پایین است.
برای همین است که توسعه سیاسی آن ناچیز است.
یعنی آن ها اصلاً مجلس ندارند! یک شیخی آنجا
نشسته و حکم می راند. در تمام دبی، چهار کتاب

می خواهد، دوره محدود می خواهد و غیره، می گفت:
هیس! اسرائیل جولان را اشغال کرده، اوضاع بد
است سیاست ما باید ثبات داشته باشد. در این
مدت، بسا روزنامه نگارانی که به زندان افتادند و
بسا کاریکاتوریست هایی که از مطبوعات اخراج
شدند. صدام هم همین طور است. او هم عمومی خود
حسن البکر را با تهدید از تخت پایین کشید و خود
برای همیشه بر مسند حکومت تکیه زد. رئیس
جمهور مادام العمر عراق هم از همین حرفه «ثبات
سیاسی» استفاده می کند و می گوید: ببینید الان
آمریکا بفل گوش ماست و ما نیازمند ثبات سیاسی
هستیم ...

شما چرا از لبنان چیزی نمی گوید؟ آن هم یک
کشور عربی است، ولی تاکنون هیچ رئیس جمهوری
بیش تر از ۴ سال در آن حکومت نکرده و مرتب در
آنجا انتخابات بوده و روسا عوض شده و مردم در
عرصه مسائل سیاسی حضور داشته اند؟

پاسخ بسیار ساده است. در لبنان، تمرکز قدرت
وجود ندارد و برای همین قدرت سیاسی توزیع شده
است. این یکی از ابعاد توسعه سیاسی است. در
لبنان، انحصار سیاسی نظیر آنچه در عراق یا یمن
می بینیم، وجود ندارد. بنابراین مشارکت سیاسی،
خود را در اغلب موارد و انتخابات ریاست جمهوری
نشان داده است. در چنین شرایطی اوضاع سیاسی
تابعی از توسعه سیاسی است.

به همین دلیل است که از نظر آمار لبنان (نسبت
به جمعیت خود) بالاترین تعداد کاریکاتوریست را
در میان کشورهای عربی دارد. لبنان نه فقط
بیشترین تعداد کاریکاتوریست ها، بلکه بالاترین
تعداد نویسندگان، بالاترین تعداد شاعر و بالاترین
تعداد سازمان های انتشاراتی را دارا است. ۸۰

درصد موسسات انتشاراتی جهان عرب در لبنان اند
و ۲۰٪ بقیه در ۴۰ کشور عرب دیگر. چرا یک کشور
مبدا دموکراسی می شود؟ به نظرم لبنان، فرانسه
آسیاست. البته خوزه هایی نیز بر اندام سیاسی
خود دارد. مثل رئیس جمهور سابق لبنان (فکر کنم
الیاس الهراوی بود) در هنگام مصاحبه ای با یکی از
روزنامه نگاران، وقتی قالیچه را تنگ می بیند بلند

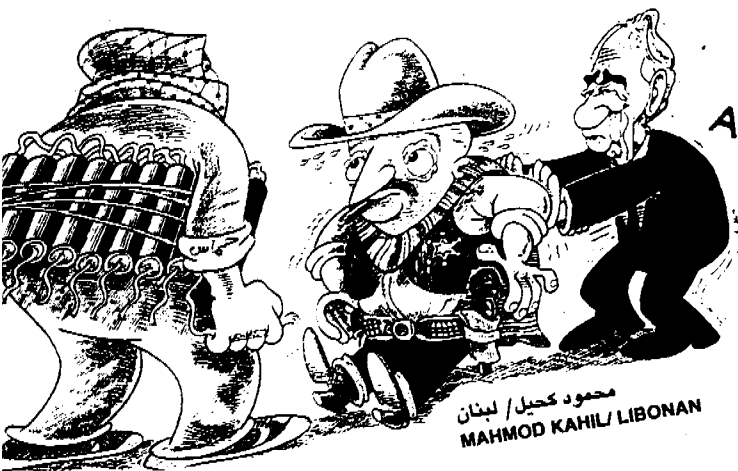


شماره صد و نهم و یک
شماره صد و نهم و یک



فارس قره بېت / سوریه . GARABET 90
 FARES GHARAHBIT/ SYRIA

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی



محمود كحيل / لبنان
 MAHMOD KAHIL/ LIBONAN

KEMCHS.
 ARTURO KEMCHS DAVILA
 Mexico

آرتورو كيمچس داويلا / مكزيك
 ARTURO KEMCHS DAVILA/ MEXICO